

فهرست

سر سخن

وفیات الاعیان ۵-۳

یادیه از دگردشتگان

خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ۱۰-۶
فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ۱۷-۱۱
ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۳۶-۱۸
استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ۴۶-۳۷
خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ۴۹-۴۷
حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۵۷-۵۰
ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ۶۱-۵۸
شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه
آمریکایی / مجدالدین کیوانی ۶۹-۶۲
مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ۷۲-۷۰
شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ۸۰-۷۳

جستار

داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ۸۳-۸۱
خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ۸۹-۸۴
از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ۱۱۰-۹۰
موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین
شیخ‌الحکمایی ۱۱۸-۱۱۱
آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /
علی صفری آق‌قلعه ۱۲۸-۱۱۹
برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /
محمدجواد جدی ۱۳۱-۱۲۹

نقد و بررسی

مقالات احمد تفضلی / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۰-۱۳۲
کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ۱۴۶-۱۴۱

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ۱۴۹-۱۴۷

خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی

سید حسین موسویان

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
s.h.mousavian@gmail.com

مترجم و تاریخ کتابت نسخه - که شاید در آن افتادگی‌ها آمده بوده باشد - ناکام ساخته است. اما خط‌خوردگی‌ها و بازنویسی‌های بسیاری که به دقت و تجدید نظر در ترجمه و اصلاح آن گواهی می‌دهد، تردیدی به‌جای نمی‌گذارد که این نسخه به خط مترجمی زبردست و آگاه به فلسفه و حکمت پدید آمده است،^۴ و همین ارزش و اعتبار نسخه را دوچندان می‌سازد و کمبودهای برخاسته از افتادگی‌های متن را تا اندازه زیادی جبران می‌کند.

در گزارش فهرستواره کتابخانه مینوی از این نسخه، شادروان محمدتقی دانش‌پژوه می‌گوید که در حال مطالعه این اثر است و بنا دارد آن را برای چاپ آماده سازد؛^۵ ولی پیداست که موفق به این کار نشده است. از این رو، نگارنده که تازه دست‌به‌کار تصحیح انتقادی متن اصلی (عربی) التعلیقات شده بود، انگیزه مضاعفی یافت که این ترجمه پارسی را نیز در کنار آن به تدریج تصحیح کند و سامان دهد و به انجام رساند.

بررسی‌های بیشتر در نوع خط و سبک و سیاق نگارش نسخه این گمان را تقویت می‌کند که مترجم در زمانه‌ای پیش از سده هفتم می‌زیسته است (نک. ت. ۱).^۶ اینکه اثری از ابن سینا در دوران کهن به پارسی ترجمه شده باشد، نشان می‌دهد که آن اثر بسیار ارزشمند و توجه‌برانگیز بوده است. این نکته هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم کمتر اثری از ابن سینا به پارسی کهن ترجمه شده است. جز این ترجمه از کتاب التعلیقات، شاید کتاب الإشارات والتنبیها و رساله حی بن یقظان تنها آثار مهم ابن سینا باشند که به خامه مترجمانی در سده‌های کهن به پارسی برگردانده شده‌اند. چنین است که جدا از ارزش فلسفی متن تعلیقات، این ترجمه کهن هم از جهت دستوری و هم از جهت واژه‌سازی

سال‌ها پیش، هنگامی که به‌انگیزه تصحیح کتاب التعلیقات ابن سینا به دنبال نسخه‌های خطی آن می‌گشتم، در بخش فهرست میکروفیلم‌ها از فهرستواره کتابخانه مینوی (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۷۳: ۶۹) به نام «ترجمه تعلیقات ابن سینا» برخوردیم که ترجمه‌ای کهن از التعلیقات ابن سینا و - چنان‌که پس از بررسی تصویر نسخه در یافتیم - به خط خود مترجم است. در این فهرستواره، محل نگهداری این تک‌نسخه توینگن گزارش شده است؛^۲ اما اکنون این نسخه در کتابخانه حکومتی برلین نگهداری می‌شود.^۳ این نسخه اصیل با افتادگی‌هایی که در آغاز و انجام و نیز در میانه‌ها دارد، ما را در آگاهی از نام

۱. کتاب التعلیقات، اثر ارزشمند ابن سینا، مجموعه‌ای از یادداشت‌های پراکنده در مباحث منطق، طبیعیات و الهیات بوده که از شاگرد نام‌آورش بهمنیار روایت شده است. این کتاب بر پایه چند نسخه معتبر به دست نگارنده تصحیح شده و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آن را در سال ۱۳۹۱ خورشیدی منتشر کرده است.
۲. در تهیه تصویری از تک‌نسخه اصیل این ترجمه، نخست باید از مسئولان و کارکنان وقت کتابخانه مرحوم مینوی سیاست‌گذار باشم که تنها عکس موجود از نسخه خطی را در اختیارم گذاشتند. کیفیت این عکس ضعیف بود و نوشته‌های ناخوانا در آن کم نبود. دکتر نصرالله پورجوادی و فرزندش دکتر رضا پورجوادی را بسیار سپاس می‌گویم که میکروفیلم اصل نسخه را از برلین فراهم کردند و برایم هدیه آوردند تا از تصویر روشن‌تر و خواناتر نسخه بهره‌مند شوم. از مسئولان و کارکنان وقت کتابخانه ملی نیز برای تبدیل میکروفیلم به نسخه دیجیتال بسی سپاسگزارم.

۳. از آنچه در صفحه شناسنامه نسخه آمده به دست می‌آید که نسخه پیشتر به کتابخانه حکومتی پروس در برلین تعلق داشته، سپس (در زمان جنگ و بمباران برلین) به دانشگاه شهر کوچک توینگن (در جنوب غربی آلمان) منتقل شده است و (با پایان یافتن جنگ) اکنون به‌عنوان اموال فرهنگی پروس در بخش شرق کتابخانه حکومتی برلین نگهداری می‌شود.

۴. در مقاله‌ای که در دست نگارش دارم نمونه‌هایی از متن ترجمه را بررسی و تحلیل خواهم کرد که مایه حکمی و فلسفی مترجم را آشکار می‌سازد.
۵. «گویا این تنها نسخه باشد و کسی ندیدم که از مانند آن یاد کرده باشند. اکنون دارم آن را موشکافانه می‌خوانم که برای چاپ آماده سازم و باید هم با نگارش‌های گوناگون متن [اصلی و عربی] سنجیده شود.» (همانجا)
۶. در دیداری که با استاد نسخه‌شناس شادروان عبدالحسین حائری (۱۳۰۶-۱۳۹۴ ش) در کتابخانه مجلس داشتم (تا جایی که به یاد دارم در میانه دهه هشتاد خورشیدی)، تصویر برگی از نسخه ترجمه تعلیقات را به ایشان نشان دادم و از گمانه تاریخ کتابت آن پرسیدم. پاسخ بی‌درنگ وی آن بود که رسم الخط نسخه گواهی می‌دهد که کتابت آن بی‌تردید به سده هفتم یا پیش از آن می‌رسد.

مرا از نسخه دیگری از این ترجمه، که ناگهانی بدان برخورده بودند، آگاه ساختند. این نسخه دومین دفتر از یک مجموعه (دارای سه دفتر) است که در دانشگاه شیراز نگهداری می‌شود. هر چند این نسخه نیز همانند نسخه اصیل توپینگن ناقص است و بخش بزرگ‌تر آن، از میانه تا پایان، افتاده است، خوشبختانه از آغاز افتادگی ندارد و تعلیق‌های بسیاری را دارد که در آن نسخه اصیل بر جای نمانده است.

آگاهی از این نسخه نویافته به دریافت‌های تازه‌ای انجامید: ۱. یکی از نسخه‌هایی که در تصحیح متن اصلی (عربی) تعلیقات به کار برده‌ام نسخه‌ای محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به کتابت احمد علوی عاملی، شاگرد میرداماد و پسرخاله و داماد وی، است که شماری از توضیحات میرداماد نیز در حواشی آن آمده است. از یادداشت کوتاهی در حاشیه یکی از تعلیق‌ها در این نسخه برمی‌آید که گویا ختم ترجمه‌ای از تعلیقات به دست داده است:

قوله: «إلیه توجّه الطلب»؛ آنچه گفته است که روی طلب بدو است، یعنی اکبر است، إلخ - ترجمه ختم. (نک. ت. ۲، حاشیه مربوط به تعلیقی در سطر چهارم متن نسخه)

در تمام مدتی که تصحیح متن ترجمه را در دست داشتم، این اندیشه همراه بود که اگر ختم تعلیقات ابن سینا را به پارسی ترجمه کرده باشد، شاید این ترجمه همان ترجمه باشد؛ به‌ویژه آنکه می‌دانیم که ختم رساله‌ای از ابن سینا با نام «الخطبة التوحیدیه» یا «الخطبة الغراء» را به پارسی ترجمه و شرح کرده است (نک. مهدوی، ۱۳۳۳: ۹۹-۱۰۰) و نیز از ارادتش به شیخ رئیس و اعتقادش به فلسفه وی آگاهییم (نک. معصومی همدانی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). چنانچه یادداشت کوتاه یادشده در حاشیه نسخه آستان قدس را در متن نسخه اصیل توپینگن می‌یافتم، با اعتماد به احمد علوی (یا استادش میرداماد) در نسبت دادن آن به ترجمه ختم، می‌شد گمان خود را به یقین نزدیک سازم که این ترجمه همان ترجمه ختم است؛ اما افسوس که پس از جست‌وجو در یافتم که ترجمه آن تعلیق در برگ‌هایی از نسخه توپینگن بوده که افتاده و از بین رفته است. این افسوس چند سالی پایید تا آنکه نسخه نویافته دانشگاه شیراز به دستم رسید و

پارسی در برابر واژه‌های عربی - از کلمات عام گرفته تا اصطلاحات فلسفی - در خور توجه است.

در آغاز کار تصحیح متن نسخه ترجمه و سنجش آن با هیئت‌های متفاوت نسخه‌های متن اصلی (عربی) تعلیقات، به چند ویژگی صوری در این نسخه (ترجمه) پی بردم:

- یکی آنکه ترتیب تعلیق‌ها در این ترجمه همانند ترتیب تعلیق‌ها در هیئتی از متن عربی تعلیقات است که در آن، تعلیق‌ها تا اندازه‌ای براساس موضوع و مبحث تنظیم شده‌اند و از این جهت با هیئت نخستین متن اصلی (عربی) تفاوت دارد که از چنین ترتیبی برکنار است (نک. مهدوی، ۱۳۳۳: ۶۰-۶۴؛ موسویان، ۱۳۹۱: ۱۲).
- دیگر آنکه برگ‌های بسیاری از آغاز، میانه‌ها و پایان این نسخه افتاده و از بین رفته است، به‌گونه‌ای که در مجموع، ترجمه کمی بیش از چهارصد تعلیق، از حدود هزار تعلیق از کتاب تعلیقات، در این نسخه به جای مانده است.
- همچنین ترتیب برگ‌های نسخه، بر اثر ازهم‌گسستگی شیرازه، به هم ریخته و در تهنندی دوباره در چند جا دچار جابه‌جایی شده است.

با این آگاهی‌ها و پس از مرتب‌سازی زمان‌ستان برگ‌های نسخه ترجمه، تصحیح آن را با مقابله واژه‌به‌واژه با هیئت‌های گوناگون متن اصلی (عربی) تعلیقات آغاز کردم و به انجام رساندم. همچنین با نظر به ارزشمندی نثر پارسی این ترجمه، کلمات و ترکیبات و اصطلاحات فلسفی متن را بیرون کشیده و با برابرنهادن آن از متن عربی، واژه‌نامه‌ای پارسی-عربی نیز فراهم آورده‌ام که گمان دارم برای ادیبان و زبان‌شناسان سودمند افتد.



به‌تازگی و در حالی که دست‌به‌کار مقدمه تصحیح بودم تا پس از پردازش آن این اثر را به چاپ برسانم، دو دوست اهل تحقیق^۱

۱. در اینجا باید از این دو دوست صمیمانه سپاسگزاری کنم که با همدستی مرا به نسخه‌ای نویافته از این ترجمه در دانشگاه شیراز رهنمون شدند: آقای دکتر یوپ لمیر، محقق دوست‌داشتنی و پژوهشگر برجسته در فلسفه اسلامی، که شناسایی و نشانی این اثر را مرهون لطف دوستانه وی هستم؛ و آقای دکتر محمدجواد اسماعیلی، همکار و همراهم در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، که در فراهم‌سازی این اثر یاری رسانم بود.

پس از جست‌وجو در تعلیق‌های به‌جای‌مانده از آن، دریافتیم که ترجمه آن تعلیق در این نسخه وجود دارد و آغازش درست همان عبارت گزارش شده در حاشیه نسخه آستان قدس است (نک: ت ۳، سطر ۱۶ و ۱۷ از نسخه)؛ اکنون می‌توان با استناد به یادداشت احمد علوی این ترجمه را از عمر خیّام دانست.

اما در این که مستند علوی چه بوده است، می‌توان دو گمانه را به میان آورد: یکی آنکه علوی به نسخه کامل اصلی ترجمه تعلیقات یا نسخه دیگری که در آن تصریح به نام خیّام شده بوده دسترسی داشته است؛ و دیگر اینکه وی همین مجموعه دانشگاه شیراز یا مانند آن را در دست داشته که در آن شرح خطبه توحیدیه با نام خیّام پیش از ترجمه تعلیقات آمده بوده و به این قرینه ترجمه تعلیقات را نیز از خیّام انگاشته است، هرچند این گمانه سست تر می‌نماید.

۲. چنانکه گفته شد، نسخه نویافته ترجمه تعلیقات در مجموعه شیراز دومین دفتر آن است. این دفتر با دیباچه‌ای کوتاه از مترجم و با شکایت وی از حال خویش و احوال روزگار آغاز می‌شود^۱ و سپس می‌گوید که به درخواست دوستی از دوستان حقیقت دست‌به‌کار این ترجمه شده است. نامی از مترجم در آغاز این دفتر و دیباچه ترجمه به چشم نمی‌خورد، اما دفتر نخست این مجموعه همان ترجمه و شرح رساله‌ای از ابن سینا با نام «الخطبة التوحیدیه» یا «الخطبة الغراء» است که در آغاز آن نام خیّام آمده است: «شرح لخطبة للشيخ الرئيس بلغة الفرس، فعله عمر الخيامي». خط هر دو دفتر نسخ است و به قلم یک کاتب می‌نماید، و این را نیز می‌توان شاهدی انگاشت بر آنکه کاتب پس از بازنویسی اثری از خیّام به کتابت اثر دیگری از وی پرداخته است که هر دو به ابن سینا مرتبط است.^۲

۳. اگر از یک سو ترجمه تعلیقات را از خیّام بدانیم و از سوی دیگر نسخه اصیل توینگن را به خط خود مترجم، به این

۱. خیّام در مقدمه رساله جبر و مقابله نیز چنین شکایتی از زمانه خویش می‌کند (الخیّامی، ۱۹۸۱: ۲).

۲. دفتر سوم این مجموعه هیچ‌گونه همانندی با دو دفتر دیگر ندارد، نه در خط و نه در موضوع، که خط آن نستعلیق است و موضوع آن فقه (ارث).

نتیجه می‌رسیم که نسخه توینگن به خط خیّام است. در این صورت، ارزش این نسخه دو چندان می‌شود.

۴. شاید ترتیب موضوعی متن عربی تعلیقات هم به دست خیّام و به‌هنگام ترجمه صورت گرفته باشد. این گمانه از دو رو به ذهن می‌رسد: یکی از آن رو که در پایان دیباچه ترجمه می‌گوید: «و جهد کنم ترتیبی نگاه دارم»، و دیگر از آن رو که گاهی ترجمه تعلیقی را در ادامه یک تعلیق بر اساس هیئت نامرتب متن عربی آغاز کرده ولی سپس از آن دست کشیده و با خط زدن بر روی آن به ترجمه تعلیقی دیگر بر اساس هیئت مرتب پرداخته است. با این حال انتساب قطعی مرتب‌سازی تعلیق‌ها به خیّام بررسی و پژوهش بیشتری می‌طلبد.

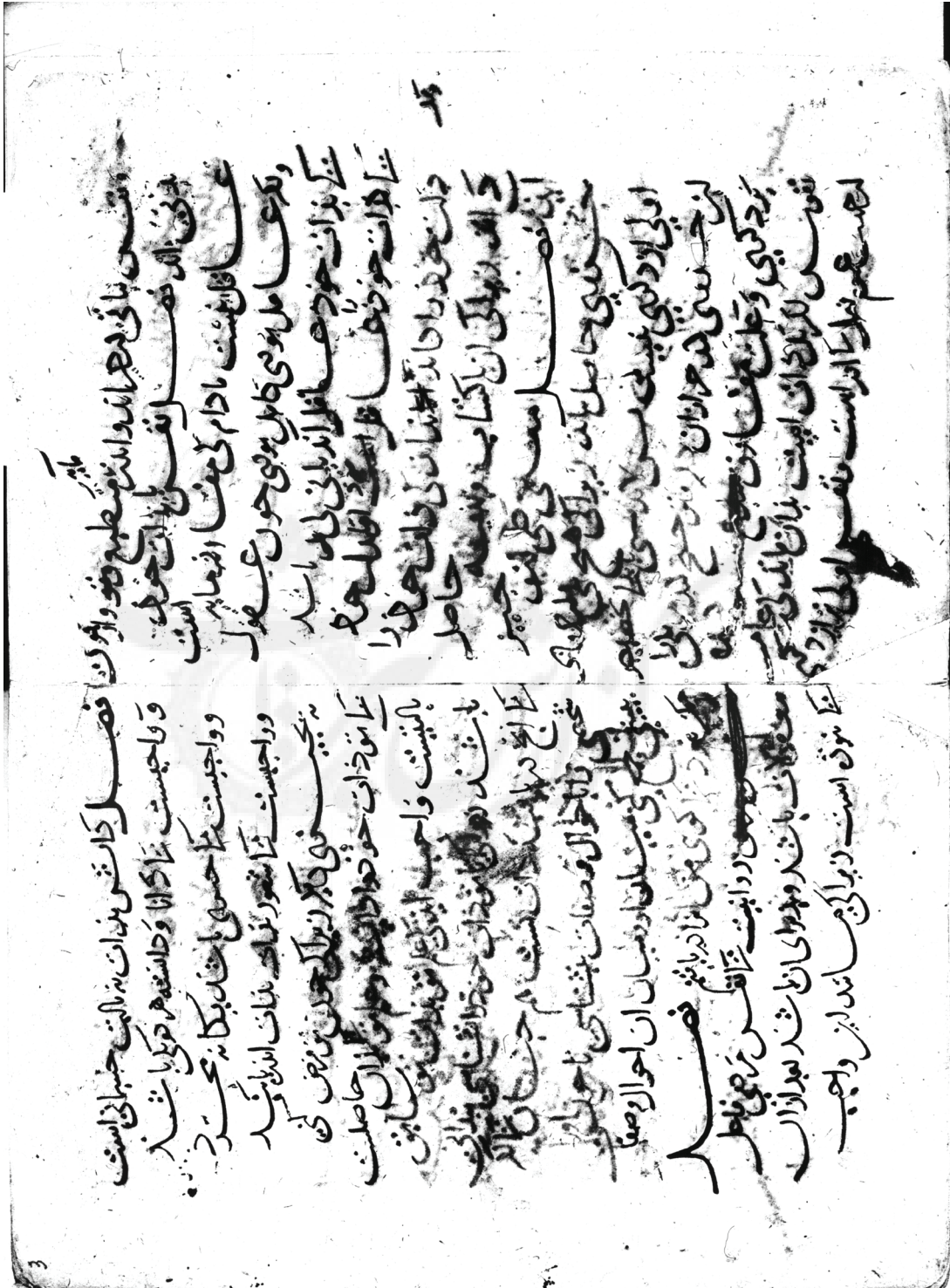


در پایان یادآور می‌شوم که رونمایی از این ترجمه تعلیقات، چه از خیّام و به خط وی باشد و چه نباشد، ما را با چهره‌ای تازه و نمونه‌ای نادر از نثر کهن پارسی-فلسفی روبرو می‌سازد. تصحیح انتقادی این اثر بر پایه نسخه اصلی و با مقابله آن با متن عربی تصحیح شده به دست نگارنده چندی است که به اتمام رسیده است و در حال پردازش مقدمه آن بودم که به نسخه نویافته یادشده برخورددم. اکنون باید به تکمیل تصحیح خود با به‌کارگیری این نسخه پردازم و امیدوارم هرچه زودتر آن را به انجام برسانم و منتشر سازم.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۱). التعلیقات. مقدمه، تحقیق و تصحیح سیّد حسین موسویان. ج ۱. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- الخیّامی، عمر بن ابراهیم (۱۹۸۱ م). «الجبر والمقابله». در: رسائل الخیّام الجبریه. حَقَّقَهَا وَتَرَجَّمَهَا وَقَدَّمَ لَهَا رَشْدِي رَاشِد وَأَحْمَد جَبَّار. حلب: جامعة حلب، معهد التراث العلمي العربي.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار (۱۳۷۳). فهرستواره کتابخانه مینوی (خطی، عکسی، میکروفیلم، یادداشتها). ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معصومی همدانی، حسین (۱۳۹۶). «خیّام در میان فیلسوفان و صوفیان». نگاه نو، ش ۱۱۳ (بهار): ص ۱۱۱-۱۳۴.

- موسویان، سید حسین (۱۳۹۱). «مقدمه مصحح». نک. - مهدوی، یحیی (۱۳۳۳). فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ابن سینا.



ت. ۱. نسخه توییکن

و البحث لا يكون بحسب الترتيب ^{٧٥١} **تعليقت** اذا لم يكن الاذن حاصل الكون والشي
 كما في الاصغر مضماني الاكبر وكذا لا تتوالى التراتيب السبل لعمد فانها لا
 فان لزوم وجودها في الظاهر ليس في مقتضى طلب السبل فكيف يصح لزم وجود
 عليه دلالة الاكبر لا دلالة الصغرى **تعليقت** اليه توجه الطلب اليه الاكبر
 هو الخط اولا وهو الزيادة في مع وجوده لا وسط فاما الاوسط لا يعرف انه قد
 كان معلوما **تعليقت** الاكبر لا يطرأ قول لنا فانها تتفرع بانها في المسألة ^{٧٥٢} **تعليقت**
 تركب الحد تركب فتمتد لا تركب فتركب جانبا فلا يتعلق به الصدق والخطيب
 كما في السطر ياتي مسرنا ثم لا يطرأ له فالتكليف فترى بانها في لا يجوز ان يكون
 كما في الاذن بانها في ما يطرأ فان معناه انه حركات وكذا الجريان الزرع
 هو ما يطرأ فليس هذا موضع ونحن ان تركب الورد الجان فانها بينه وبين
 ونحن **تعليقت** ^{٧٥٥} **تعليقت** النقل فترى انه اكران احد الاكبر في الاذن وهو
 من الاشياء المتغيرة التي يكون لها مبداء ومزود يكون مبداءه فيزمنها وهو
 معتققت وكبرت وانما في السهل في تقبل حال ونحو حال وانما في
 كبرت في الزمان ونحو الترتيب فترى ان كبرت في الزمان وهو كبرت في
 الزمان والزمان في كبرت كبرت لانها في زمانها كبرت في الزمان
 الى المتواليات التي لا يمكن ان يكون لها مبداء لانها في كل زمان ودراسة
 في بعضه كانت وكبرت في الما في المستقبل الحاضر والمستقبل معا
 كل الزمان في حاضره او مستقبله والآن كبرت في الزمان في الزمان
 وبين الزمان في حاضره بالزمان **تعليقت** ^{٧٥٥} **تعليقت** الزمان في الزمان في الزمان

قوله في توجه الطلب اليه
 كقوله في قوله في
 يدركه فغيره في
 لا اوليكم

انما انما انما
 وانما انما

ما في معنى الدهر
 وانما انما

بالدهر

چون گفتی که با وی خطاب کنند قیاس را مسلم دارد آن قیاس محسب آنکی
و بنسب با وی قیاس باشد و در نفس خویش آن هنگام قیاس باشد که
مقدمات و تألیف در نفس خویش درست باشد بدانکه قیاس دو گونه
است یکی قیاس که مقتضی آن لازم باشد و آن نتیجه است چون مقدمات
و تألیف درست باشد و قیاس دیگر آنست که نسبت با مخاطب قیاس بلد مقتضی
آن یعنی نتیجه آن آن هنگام لازم باشد که مخاطب مسلم دارد خواه صادق باش
در نفس خویش خواه کاذب و آن که قیاس قیاس باشد عامتر از قیاس است که مقتضای
اولی بود چون قیاس را مطلق فرمایند عامتر باشد و قیاس که مقتضی اولی است
دو گونه است چنانکه گفتیم چون لازم تر بسبب حمل و وضع باشد
اصغر در ضمنی دیگر نبود و مثال چنانست که گویند اگر افتاب برآمده است
روز موجود باشد که لزوم وجود روز در ضمن بر آمدن افتاب نسبت بلکه لازم
آنست که دلالت آن بر آن دیگر بسبب تلازم نه بسبب تضمن
پس نسبت قیاس مطلق یا قیاس برهانی نسبت عامی مقوم است و نسبت
قیاس جدید یا برهانی نسبت عارضی است که اگر چه آن عام عالم است اما
مقوم آن نیست و قیاس مطلق ضروری مقوم است بر قیاس برهانی زیرا که
مقوم آنست و این مقوم تقدم ذاتیست آنچه گفته است
که روی طلب بدوست یعنی اگر است که مطلوب است اولاً و آنست که واجبست که
در اولی که اوسط را مجهولست یا نیست اما اوسط ضروری را معلوم بود